



همسر فراری مقتول در کانادا همدست او پای میز محاکمه

یکی از موضوعاتی که به شکل گیری قتل‌های خانوادگی بین زوجین منجر می‌شود ادعای خیانت از سوی یکی از زوجین است. در پرونده‌ای که روز گذشته در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد ادعای شوهر که متهم اصلی آن که همسر مقتول است که از کشور گریخته است، اما همدست او جزئیات قتل را برای دادگاه شرح داد.

به گزارش خبرنگار ما، اواخر سال ۹۲ مأموران پلیس پایتخت از مرگ مشکوک مرد ۳۵ساله به نام رضا در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. با انتقال جسد به پزشکی قانونی در بررسی‌های اولیه مشخص شد شب قبل زن جوانی همراه خواهرزاده‌اش، شوهرش را به خاطر مسمومیت دارویی به بیمارستان رسانده بود اما مرد جوان به خاطر شدت مسمومیت فوت کرده‌است. تحقیقات ادامه داشت تا اینکه بنا به گزارش پزشکی قانونی مشخص شد رضا به‌خاطر مصرف غیر عمدی قرص برنج فوت کرده‌است.

به این ترتیب پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار پلیس قرار گرفت و در اولین گام از تحقیقات کارآگاهان دریافتند که همسر آن مرد به نام مهتاب همراه دختر ۱۳ساله‌اش به کشور کانادا منتورلی شده‌اند. با این فرضیه تحقیقات قوت گرفت تا اینکه خواهرزاده همسر مقتول به نام عاطفه که شب حادثه همراه مقتول به بیمارستان رفته بود، بازداشت شد. او در همان مراحل اولیه بازجویی به قتل شوهر خاله‌اشی اعتراف کرد و گفت: «خاله‌ام با مرد غریبه‌ای رابطه داشت. او وقتی فهمید شوهرش از این موضوع باخبر شده‌است از من خواست در قتل رضا را کمک کنم. این گذشت تا اینکه شب حادثه طبق نقشه وقتی به خانه مقتول رفتم خاله‌ام مقداری قرص برنج در داخل آب پرتقال ریخت و به شوهرش خورد. رضا بعد از خوردن آمیوه حالش بد شد که بلافاصله او را به بیمارستان رساندیم اما بی‌فایده بود.»

در حالیکه همسر مقتول به اتهام مباشرت در قتل تحت تعقیب مأموران قرار دارد، خواهرزاده‌ای به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح دپروز زن جوان از زندان اعزام شد و مقابل هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی توکل قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه، اولیای دم با بیان توبه‌نامه‌ای به دادگاه شهادت کردند سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و خلاف اظهاراتش با انکار قتل گفت: «از اختلاف خاله‌ام با شوهرش باخبر بودم اما نمی‌دانستم شب حادثه، خاله‌ام آب پرتقال را مسموم به قرص برنج کرده‌است و قصد کشتن شوهرش را دارد. حالا او در کانادا با فرزندش زندگی می‌کند و من گرفتار شدم» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی دراز شور شد.



داماه خطاکار به زندگی بازگشت

نداشتن مهارت کنترل خشم یکی از آسیب‌هایی است که منجر به بروز بسیاری از اعمال مجرمانه می‌شود. بی‌توجهی مدارس و کانون‌های خانواده به این موضوع مهم سبب می‌شود که افراد در زندگی‌های مشترک هم نتوانند خشم خود را کنترل کنند و دست به کارهایی بزنند که هرگز قابل جبران نباشد. در پرونده‌ای که روز گذشته در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد داماد خانواده برادر همسرش را به خاطر رفتاری کودکانه به قتل رسانده بود که حالا با رضایت اولیای دم از مرگ قاصدله گرفته‌است.

به گزارش خبرنگار ما، سیدهمد دی‌سال ۹۴ مأموران کلاتتری اوسعید از قتل پسر ۱۹ساله به نام مجید در منزل خواهرش باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد مقتول در جریان درگیری با ضربه چاقو از سوی شوهر خواهرش به قتل رسیده‌است. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی عامل قتل که در محل حضور داشت بازداشت شد. او با اقرار به جرمش در خصوص انگیزه قتل گفت: «مجید به جرم گوش نکردن او را به خاطر بیماری نوزادم کشتیم» متهم در شرح ماجرا گفت: «روز حادثه من و همسرم در خانه بودیم و قرار بود برادر همسرم از شهرستان به خانه ما بیاید. نزدیک ظهر مجید آمد و بعد از کمی استراحت همسرم برای خرید از خانه بیرون رفت. من ماندم و مجید، بعد از رفتن همسرم، مقتول به اتاق خواب رفت و از ادکلن‌هایی که همسرم روی میز آرایشش چیده بود به خودش زد. از آنجائیکه فرزندم چند ماه بیشتر نداشت و بیماری تنگی نفس داشت از او خواستم ادامه ندهد اما او بی‌تفاوت به کارش ادامه داد.» متهم در خصوص قتل گفت: «لحظاتی گذشت و دوباره به مقتول تذکر دادم، اما او اصرار داشت که ادکلن‌ها را روی لباسش امتحان کند همین شد که عصبانی شدم و با هم درگیر شدیم. در آن درگیری ناخواسته دست به چاقو شدم و یک ضربه به قفسه سینه‌اش زدم. باور کنید قصد کشتن نداشتم.»

با اقرارهای متهم و بازسازی صحنه جرم پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه محاکمه متهم بنا به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. این حکم در شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور تأیید شد و در آستانه اجرا قرار داشت که اولیای دم به خاطر نوه‌شان -فرزند متهم- با پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان دیه اعلام گذشت کردند. به این ترتیب متهم روزها گذشته بار دیگر از جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه قرار گرفت و در آخرین دفاعش گفت: «کارگر چاپخانه بودم و در این سالها بیگار شدم. این چند سال حبس مرا به اندازه کافی تنبیه کرد و حالا به خاطر اشتباهی که کردم پشیمانم. از اولیای دم که فرصت زندگی دوباره به من بخشیدند، ممنونم و از همسرم نیز که در این سالها مرا ترک نکرد، تشکر می‌کنم. از دادگاه می‌خواهم هر چه زودتر مرا آزاد کنند تا این سالها را برای خانواده‌ام جبران کنم.» در پایان هیئت قضایی متهم را با احتساب روزهایی بازداشت به سه سال حبس محکوم کرد. به این ترتیب متهم به زودی آزاد خواهد شد.

مرحله پنجم از طرح برخورد با سارقان در پایتخت اجرا شد

اعتراف ۱۸۴ سارق به ۳ هزار سرقت



جزئیات بیشتری از اجرای این طرح را در اختیار خبرنگاران قرار داد. او توضیح داد: «این طرح از ابتدای هفته گذشته به اجرا درآمد و با تلاش همکاران ۱۸۴سارق سابقه‌دار دستگیر شدند و در تحقیقات به ۳هزار فقره سرقت اعتراف کردند.» سردار رحیمی ادامه داد: «۴۵باند که به اشکال مختلف اقدام به سرقت منازل، خودرو، موتورسیکلت و محموله می‌کردند نیز در این طرح منهدم شدند. ۲۰فقر از سارقان سابقه دستگیری دارند که بخش زیادی از آنها بین سه تا شش‌بار در زندان بودند. حدود ۴۰فقر آنها برای نخستین بار بازداشت شدند.» وی در توضیح دستگیری دو باند سارقان مسلح هم

گفت: «اعضای این باند پنج‌نفره دنبال سرقت از یک بانک و طلافروشی بودند که پیش از هر اقدامی بازداشت شدند.» دستگیری باند سارقان شمال شهر رئیس پلیس تهران با اشاره به دستگیری این باند افزود: «باند ۱۱فقره‌ای که در منازل شمالی تهران دست به سرقت می‌زدند و اغلب دلار، ارز و دارایی‌های باارزش را سرقت می‌کردند، بازداشت شدند که به ۱۷فقره سرقت منزل اعتراف کردند.» سردار رحیمی درباره بازداشت کیف‌قاپ‌های خشن که به صورت وحشیانه اقدام به زورگیری می‌کردند، گفت: «دو نفر از خانم‌هایی که توسط این کیف‌قاپ‌ها مورد

جذب‌شدند و سرقت و زورگیری قرار گرفتند به کم‌رفتند.» متلاشی شدن باند ۱۷فقره کلاهبرداری رئیس پلیس پایتخت از متلاشی شدن باند داد و گفت: «اعضای این باند به بهانه برنده شدن در مسابقات، افراد را به پای غیربانک کشیده و کل حساب‌فرد اخالی می‌کردند، حتی بین مالباختگان مالباختگان مهماندار هواپیمایی بود که همه پولی که بابت ۲۵سال خدمت به دست آورده بود را در این کلاهبرداری‌ها از دست داده بود.»

دست شفای یک مالخر!

متهم دیگر را به خاطر خرید اموال سرقتی دستگیر کرده بودند. بعدها معلوم شد او بدون تخصص بیماری‌ها را هر زمان می‌کند اما تا به حال شاکی نداشته‌است. این سارق در جریان کلاهبرداری‌های زیادی هم نقش داشته و توانسته به شیوه‌های مختلف مردم را فریب داده و پول زیادی به جیب بزند. هرچند خودش ادعا می‌کند برای خیلی از جرمی که مرتکب شده پولی دریافت نکرده‌است. **گويا سابقه داری، برای چه بوده‌است؟** جعل ویزای ایتالیا، انگلیس و فرانسه. **از کار در میان بیماری‌ها بگو.** شش‌سال قبل خواب پدرم را دیدم، بعد از آن بود که دستم شفا شد! افراد بیمار را شفای می‌دهم و ۱۰سال آدم‌ها را جوان می‌کنم! **در قبال این کار پول می‌گیری؟** خیر تا حالا شاکی هم ندارم. **چند تا داستانی داشته‌ی؟** روزی ۳۰ تا ۳۰فقر، مشتری‌هایم مرا به دیگران معرفی می‌کردند.



بازداشت عاملان شهادت ۲ مأمور پلیسی

دومرد شرور که در جریان دو حادثه جداگانه دو مأمور پلیس را در استان هرمزگان به شهادت رسانده بودند، بازداشت شدند. به گزارش خبرنگار ماسردار عزیزالله ملکی، فرمانده انتظامی استان هرمزگان گفت: یکی از متهمان از اشرار سابقه‌دار و قاچاقچی مواد مخدر است که سال ۹۳ ستوان یکم «صفر حدیدی» از مأموران انتظامی پاسگاه سرنی میناب را به شهادت رساند. وی ادامه داد: مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود سرانجام مخفیگاه وی را در شرق استان شناسایی و او را بازداشت کردند. از مخفیگاه متهم دو قبضه اسلحه کلاش و ۱۹۷ فشنگ جنگی کشف شد. سردار ملکی گفت: متهم در بازجویی‌ها به درگیری مسلحانه و به شهادت رساندن شهید حدیدی با انگیزه حمل مواد مخدر اعتراف کرد و متهم همچنین به قتل یکی از ساکنان این منطقه اعتراف کرده و تحقیقات برای شناسایی جرائم بیشتر او در جریان است. فرمانده انتظامی استان هرمزگان ادامه داد: مأموران پلیس همچنین در جریان بررسی‌های خود موفق شدند عامل شهادت استوار یکم «محمود جعفری» را که سال ۷۲ در منطقه هشتیندی اتفاق افتاده بود، بازداشت کنند. وی گفت: متهم در بازجویی‌ها به درگیری مسلحانه و شهادت مأمور پلیس اعتراف کرده‌است.

بازگشت قاتل فراری از مالزی

مردی که ۱۰سال قبل در جریان یک نزاع مرگبار مرتکب قتل شده به مالزی گریخته بود روز گذشته در تهران بازداشت شد. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ کاراگاه علی ولیپور گودرزی، متهم جوانی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهم، تابستان سال ۹۱ در جریان یک نزاع مرگبار قتل شد و پس از آن راهی شهر کوالالامپور در کشور مالزی شد و در این مدت زندگی مخفیانه‌ای داشت. وی ادامه داد: کاراگاهان پلیس در جریان تحقیقات خود روز گذشته متوجه شدند که متهم به تهران بازگشته‌است که را بازداشت کردند. وی گفت: تحقیقات بیشتر بازگشته‌است که در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

پلیس دماوند آدم‌ربایان را ناکام گذاشت

فرمانده انتظامی شرق استان تهران از وقوع یک مورد آدم‌ربایی نافرجام با حضور به موقع پلیس در دماوند خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سردار عبدالرضا نظری گفت: ساعت هفت‌صبح روز گذشته به مأموران پلیس دماوند خبر رسید افرادی قصد ربودن دختری را مقابل یکی مدرسه دخترانه دارند. وی ادامه داد: با حضور پلیس مشخص شد چند مرد جوان با راننده یک سرویس مدرسه درگیر شده و قصد ربودن دختر ۱۴ساله‌ای را داشتند که با مداخله به موقع پلیس چهار نفر دستگیر و به کلاتری بخش رودهن انتقال داده شدند. سردار نظری تصریح کرد: در تحقیقات پلیس مشخص شد این افراد به منظور انجام جویی در بی‌اختلافات گذشته قصد این آدم‌ربایی را داشتند.



هکر ۲۷ساله به حساب مشتریان دستبرد می‌زد

تلاش مأموران پلیس فتای شهرستان ساوجبلاغ، زن ۲۷ساله‌ای که اقدام به هک حساب‌های بانکی کاربران کرده بود شناسایی و دستگیر شد. سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی استان البرز با اعلام این خبر گفت: در پی مراجعه یکی از شهروندان به پلیس فتای شهرستان ساوجبلاغ و درخواست رسیدگی به شکایتش مبنی بر برداشت غیر مجاز ۶۶میلیون تومان از حسابش، پیگیری موضوع در دستور کار مأموران قرار گرفت. وی افزود: در بررسی پرنیت حساب مالباخته مجرز شد که وجوه به حساب بانکی که متعلق به یک خانم است، واریز و سپس مبلغ واریزی به حساب‌های دیگر منتقل شده‌است. سردار محمدیان گفت: حساب مذکور به اضافه سایر حساب‌هایی که پول به آنها واریز شده بود مسدود و مشخص شد که شماره حساب مربوط به یکی از شعب بانک‌ها در استان گلستان است، بنابراین بلافاصله مأموران با دریافت نیابت قضایی به استان اعزام شدند. فرمانده انتظامی البرز بیان کرد: با اقدامات فنی و اطلاعاتی مأموران منزل نامبرده را شناسایی و متهم را دستگیر و به پلیس فتای شهرستان ساوجبلاغ منتقل کردند. سردار محمدیان خاطرنشان کرد: متهم که به اتهام پول‌شویی تحت تعقیب مراجع قضایی استان گلستان است به جرم خود مبنی بر برداشت غیر مجاز ۳۰۰میلیون تومان از حساب بانکی شهروندان به صورت اینترنتی اعتراف کرد و پس از هک کردن حساب‌های بانکی تعداد زیادی از شهروندان در سراسر کشور، به منظور عدم ردیابی با افتتاح حساب‌های بانکی در شعب مختلف به نام اعضای خانواده‌اش، وجوه واریزی به حسابش را به حساب‌های مذکور انتقال داده و آنها را صرف نوسازی و تعمیر منزلش می‌کرد.

۱۵ ساعت زندگی دختر شیشه‌ای با جسد مادرش



اعتیاد دروازه ورودی به دنیای تبهکاری است. افراد معتاد نه تنها همیشه در معرض خطر و آسیب‌های روحی و جسمی قرار دارند بلکه اعضای خانواده آنها هم از این آسیب‌ها بی‌بهره نیستند. تازه‌ترین پرونده‌هایی که روی میز بازپرس ویژه قتل تهران گشوده شده مربوط به قتل زن میان‌ساله‌ای که در یکی از خیابان‌های شمالی تهران در درگیری با شوهر معتادش مقابل چشمان دختر نوجوانش به قتل رسیده‌است. به گزارش بازپرس خبر نگار ما، ساعت ۱۶ روز یکشنبه ۲۷بان‌ماه قاضی سید سجداد منافی آذر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاتری ۱۰۵ استانی از قتل زن میان‌ساله در خیابان سرداران حوالی خیابان مطهری باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی در محل حادثه که زیر زمین بزرگی در ساختمان چهار طبقه هشت‌واحدی بود با جسد زن ۵۵ساله‌ای روبه‌رو شدند که با صابند بیش از ۲۰ضربه چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد مقتول شب قبل به دست شوهر قبلی‌اش در مقابل چشمان دخترش به قتل رسیده و قاتل پس از حادثه در راهی دیگرش از بیرون قتل کرده و از محل گریخته‌است تا اینکه ۱۵ساعت پس از حادثه دختر جوان موضوع را به اداره پلیس خبر می‌دهد.

گفت‌وگو با متهم

خودت را معرفی کن و بگو چندسال داری؟ مهتاب هشتم اما الان دقیق نمی‌دانم ۱۸سال دارم یا ۱۹سال. **بله، شیشه مصرف می‌کنم، درست یادمنیست‌اما فکر کنم پنج یا شش سال قبل دوستی داشتم که به خانه مامی آمدن و من هم به خانه آنها می‌رفتم و مرا تشویق کرد شیشه مصرف کنم و معتاد شدم، خانواده‌خبر داشتند؟** پدر و مادرم از هم جدا زندگی می‌کردند پدر در طبقه دوم زندگی می‌کرد، اما پهر حال پدر و مادرم متوجه شدند و پدرم دوبار هم مرا به کمپ بعد شیشه‌های شد که با هم اختلاف پیدا کردیم. **چقدر درس خواندی؟** سوم راهنمایی معتاد شدم و به همین دلیل ترک تحصیل کردم. **پول شیشه را چگونه تهیه می‌کردی؟** وضع مالی پدرم خوب بود، آن ساختمان‌ی که در آن زندگی می‌کردیم مال پدرم بود که چند

واحدش را اجاره داده بود. **پدر و مادرت چرا با هم اختلاف داشتند؟** پدرم معتاد بود، او اول ترک‌یاک مصرف می‌کرد، اما بعد شیشه‌های شد که با هم اختلاف پیدا کردیم. **درباره درگیری آن شب توضیح بده؟** آن شب خانه پدرم بودم که مادرم به زیر زمین آمد و خواست مرا پیش روانپزشک ببرد که همراه او رفتم و بعد با پدرم درگیر شدم. پدرم چاقوی بزرگی برداشت و مادرم را کشت و بعد هم در اقل کرد و رفت.

چرا مانع درگیری آنها نشدی؟ می‌خندد. درگیری آنها به من ربطی نداشت اگر دخالی می‌کردم من هم شریک جرم بودم. **ارتباطت با مادرت چطور بود؟** خوب نبود، اصلاً پدر و مادرم را دوست نداشتم. **چرا همان شب به پلیس خبر ندادی؟** نمی‌خواستم دخالت کنی. **۱۵ساعت بعد با پلیس تماس گرفتی؟** چون خسته شده بودم و داخل خانه زندانی شده بودم.